

The origin of the violation of football sports contracts between clubs and players and its effect on citizens' rights

Ehsan Marsousi*

Taher Habibzadeh**

Iman Hossein Pour Sharafshad***

Received: 2022/05/24

Accepted: 2022/08/03

Abstract

One of the most important problems in the field of sports is the damage caused to the sports community, the financial system, and the international reputation due to the violation of contractual obligations or the termination of contracts in this field. This research aims to examine the root of the breach of contractual obligations, to guarantee its implementation, and finally, to point out the effect that such breach of obligations has on public rights. The definition of sports rights and sports contract should be mentioned, and then it will be discussed by examining the effects governing sports contracts and the origin of violations of such contracts, focusing on the contract between players and clubs, and as a case study, the standard contract of the English Premier League in the 2022-2023 season. The investigation of its dimensions should be deepened. The findings of this research show that the source of the violation of sports contracts between players and clubs is sometimes the inability of each of the parties and sometimes their refusal to fulfill contractual obligations. Due to the violation of the contract, various damages, both material and spiritual, are inflicted on the other party, which sometimes have an international aspect, all such damages will directly or indirectly affect the public interests and their material and spiritual rights, which is considered as a violation of citizenship rights.

Keywords: Sports law, sports contract, international sports law, breach of contract, football contract, citizenship rights.

* MSc. of Private Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

eh.marsousi@gmail.com

** Assistant Professor of Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadigh University, Tehran, Iran.

t.habibzadeh@isu.ac.ir

*** PhD in Private Law, Faculty of Law, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

imanhosseinpour@yahoo.com

منشأ نقض قراردادهای ورزشی فوتبال میان باشگاه‌ها و بازیکنان و اثر آن بر حقوق عامه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

احسان مرصوصی*

طاهر حبیب‌زاده**

ایمان حسین پور شرفشاد***

چکیده

یکی از مشکلات مهم عرصه ورزش، خسارت‌هایی است که به سبب نقض تعهدات قراردادی و یا فسخ قراردادهای این حوزه به جامعه ورزشی، بیت‌المال و حیثیت بین‌المللی وارد می‌شود. این پژوهش قصد دارد ریشه نقض تعهدات قراردادی را بررسی کند، به ضمانت اجرای آن بپردازد و در نهایت، به اثری که این‌گونه نقض تعهدات بر حقوق عامه می‌گذارد، اشاره نماید. در این پژوهش سعی شده است به روش کیفی و کتابخانه‌ای، به تعریف حقوق ورزشی و قرارداد ورزشی اشاره شود و در ادامه با بررسی آثار حاکم بر قراردادهای ورزشی و منشأ نقض این‌گونه قراردادها با تمرکز بر قرارداد میان بازیکنان و باشگاه‌ها پرداخته شود و به صورت مطالعه موردی قرارداد استاندارد لیگ برتر انگلستان در فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ بر بررسی ابعاد آن تعمیق بخشیده شود. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده آن است که منشأ نقض قراردادهای ورزشی میان بازیکنان و باشگاه‌ها، گاه ناتوانی هر کدام از طرفین است و گاه خودداری آنها از انجام تعهدات قراردادی. بر اثر نقض قرارداد، خسارت‌های مختلفی اعم از مادی و معنوی به طرف مقابل وارد می‌شود که بعضاً نمود بین‌المللی دارد، همه این‌گونه خسارات، بر منافع عامه و حقوق مادی و معنوی ایشان تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم خواهد گذاشت که به نحوی نقض حقوق شهروندی به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: حقوق ورزشی، قرارداد ورزشی، حقوق بین‌الملل ورزشی، نقض قرارداد، قرارداد فوتبال، حقوق عامه.

* کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
eh.marsousi@gmail.com

** استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
t.habibzadeh@isu.ac.ir

*** دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. imanhosseinpour@yahoo.com

مقدمه

متأسفانه یکی از مواردی که به اقتصاد کشور لطمه می‌زند دعوی‌های حقوقی است که ریشه در نقض قراردادهای ورزشی دارد. قراردادهای ورزشی با مبالغ بالا که گاه میان باشگاه‌ها و بازیکنان حرفه‌ای منعقد شده است و چه قراردادهایی که میان مربیان خارجی چه با باشگاه‌های ورزشی چه با تیم ملی فوتبال ایران منعقد می‌شود. تدوین غیرتخصصی قراردادها، عدم تبعیت از چهارچوب‌ها و عرف قراردادها، عدم انعقاد قراردادها به صورت شفاف و جزئی و... می‌تواند علل عمده ایراد خسارت‌های هنگفت مالی بر پیکره اقتصاد کشورمان باشد. خسارت‌هایی از قبیل پرونده مارک ویلموتس^۱ که طبق رأی دیوان داوری ورزش خسارت بیش از ۶ میلیون یورو به بار آورد؛ همچنین خسارتی که در پی شکایت آندره آ استراماچونی^۲ به فیفا و تأیید دیوان داوری ورزش بیش از یک میلیون یورو بر باشگاه استقلال تحمیل شد.^۳ در این نگارش سعی خواهد شد تا با بررسی آثار حاکم بر قراردادهای ورزشی و منشأ نقض تعهدات ناشی از آن و همچنین اشاره به ضمانت اجراهایی که این نقض تعهدات در پی دارد، توجه و تحقیق شود که چرا و چگونه خسارات زیادی را کشور و عموم مردم باید بر اثر نقض این‌گونه تعهدات متحمل شود و چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم نقض تعهدات ورزشی، چه آثار نامطلوبی بر حقوق عامه می‌گذارد؟ دلیل اشاره به برخی مواد قرارداد لیگ برتر فوتبال انگلستان در فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳، پیشنهاد بودن لیگ برتر فوتبال این کشور در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در زمینه حقوق ورزشی در بین لیگ برتر فوتبال سایر کشورها است.

۱. تعریف حقوق ورزشی

از آنجاکه توسعه قانون‌گذاری بر همه اوامر بشر بخصوص اعمال جدید و نوظهور انسان سایه می‌افکند، ناگزیر مجموعه اعمال ورزشی که توسط همه اشخاصی که با آن اعمال سروکار دارند نیز باید تحت شمول قانون‌گذاری و ایضاً تأسیس شاخه‌ای دیگر از علم حقوق شود. براین اساس، حقوق ورزشی، مجموعه مقرراتی است که بر تمامی امور ورزش حاکم است اعم از ورزشکاران، مدیران، تماشاگران، مدیریت‌های ستادی ورزش، پزشکان ورزشی، سازندگان و فروشندگان لوازم ورزشی و کارکنان ورزشی یا به اختصار:

مجموعه قواعد و قوانین حاکم بر کل ورزش (شعبانی مقدم و دیگران، ۱۳۸۸، ص. ۹)؛ اما گاه از نظر برخی دکترین حقوق، حقوق ورزشی به رشته‌ای از اعمال خاص در ورزش، یعنی حوادث و سوانح ورزشی که منبعث از اعمال و عملیات ورزشی است، مرتبط است؛ یعنی حقوق ورزشی یا حقوق ورزش، یکی از گرایش‌های علم حقوق است که به بررسی حقوقی حوادث در ورزش می‌پردازد. به‌طور کلی می‌توان گفت که منظور از حوادث ورزشی تمام جرایم و شبه‌جرایمی است که توسط ورزشکاران، معلمان، مربیان، مدیران، تماشاگران، تولیدکنندگان، لوازم و تجهیزات ورزشی و امثال آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با ورزش انجام می‌گیرد. موضوع این وقایع ممکن است سلامتی، جان، اموال، حیثیت، شرافت و سایر حقوق قانونی اشخاص باشد که به نحوی در محدوده ورزش حضور دارند (آقائی‌نیا، ۱۳۸۱، ص. ۵)؛ اما به‌نظر تعریف جامع‌تر و عام‌شمول‌تر حقوق ورزشی، تعریفی است که اقتضات این حوزه با همه گستردگی و احتیاج، آن را به چهارچوب‌های حقوقی بیشتر رفع کند؛ بنابراین به‌نظر نگارنده نیز حقوق ورزشی عبارت است از: قواعد و مقرراتی که در ورزش کاربرد دارند و روابط اشخاص فعال این حوزه را تنظیم می‌نماید؛ به‌بیان‌دیگر حقوق ورزشی ناظر بر کلیه موارد حقوقی در ورزش است و مسائل مربوط به آن را بررسی می‌نماید (انیسی، ۱۳۹۴، ص. ۱۹).

۱-۱. تعریف قرارداد ورزشی

گرچه قوانین ما در تعریف قرارداد ورزشی مسکوت است لیکن در برخی مواد مانند ماده ۶۵۴ و ۶۵۵ قانون مدنی، اشاره‌هایی به ورزش‌های خاص شده است. با توجه به آنچه در ماده ۶۵۵ قانون مدنی ذکر شده است: «در دوانیدن حیوانات سواری و همچنین در تیراندازی و شمشیرزنی گروبندی جوائز و مفاد ماده قبل در مورد آنها رعایت نمی‌شود». می‌توان نتیجه گرفت: اولاً. این مواد بیانگر مبحث فقهی سبق و رمایه است و به سایر شئون ورزشی مرتبط نیست؛ ثانیاً. موضوع این مواد گروبندی است و ارتباطی با بحث قراردادهای ورزشی ندارد که بخواهیم تحریم یا محدودیتی برای انعقاد این دست از قراردادها متصور باشیم (رستم شیرازی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۴).

با توجه به اصل آزادی قراردادها، قراردادهای ورزشی را می‌توان این‌گونه تعریف

کرد: «قراردادهای ورزشی رابطه‌ای است فیما بین اشخاصی که در ورزش به صورت حرفه‌ای فعالیت می‌کنند با باشگاه یا مؤسسه ورزشی که طی آن طرفین تعهدهایی را نسبت به یکدیگر قبول می‌کنند و قرارداد برای طرفین لازم‌الاتباع است»؛ به عبارت دیگر هر قراردادی که موضوع آن ورزشی باشد را می‌توان قرارداد ورزشی نامید (انیسی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲۸).

درست است که در حال حاضر شناخته‌شده‌ترین قراردادهای ورزشی، قرارداد ورزشی میان باشگاه ورزشی و ورزشکاران حرفه‌ای و قرارداد ورزشی میان مربیان و باشگاه‌های ورزشی است، اما قراردادهای ورزشی انواع مختلفی دارد.

۲. آثار و تعهدات ناشی از قرارداد ورزشی و نقض آن

در این بحث ابتدا قصد داریم آثاری که از قرارداد ورزشی منبث می‌شود را بررسی کنیم تا بدانیم چه خیارهایی برای طرفین در قرارداد ورزشی راه دارد. در ادامه منشأ عدم امکان اجرای تعهدات ورزشی بررسی خواهد شد تا مشخص شود این اتفاق ریشه در چه دلایلی دارد و در نهایت چه ضمانت اجرایی در عدم ایفای تعهدات قراردادی به نسبت هر کدام از آن دلایل در انتظار نقض‌کنندگان است.

۲-۱. آثار حاکم بر قرارداد ورزشی

قراردادهای ورزشی با توجه به اهداف مختلفشان و نیت طرفین در انعقاد آنها، آثار متفاوتی دارند. این اثر گاهی انتقال مالکیت است که در برخی موارد، انتقال مالکیت عین است مانند عقد بیع برخی اوقات انتقال مالکیت منافع است، مانند عقد اجاره؛ گاهی اوقات اثر قرارداد، تعهد به انجام کاری است، مانند عقد کفالت یا وکالت؛ گاهی اوقات نیز اثر می‌تواند شرکت در منافع باشد، مانند عقد مضاربه، مزارعه و مساقات. در برخی موارد نیز اثر قرارداد اباحه در انتفاع است مانند عقد عاریه.

قراردادها پس از انشاء توسط طرفین قرارداد نتایج و فایده‌هایی از خود نشان می‌دهد که گاه از آن اثر، به‌عنوان اثر مستقیم یاد می‌شود و گاه اثر اصلی قرارداد. اثر اصلی قرارداد، آن هدف یا اهداف طرفین از انعقاد آن قرارداد خاص است و اثر مستقیم، اثر اولیه‌ای است که به محض انشاء عقد، از آن قرارداد منبث می‌شود. در قراردادهای

ورزشی هم به تناسب اهداف خاص آن، شاهد آثاری هستیم. آن‌چنان‌که در اوصاف قرارداد ورزشی بیان شد، یکی از اوصاف این قرارداد، عهدی بودن آن است، اثر اصلی قرارداد ورزشی که عقدی عهدی است، تعهد بازیکن به اعمال مهارت، تکنیک و به‌کار بستن قوای بدنی و فکری در مسابقات و تمرینات است.

۲-۱. اثر لزوم و جریان خیرات

می‌دانیم که اصل در عقود، بر لزوم آنهاست. یعنی به محض قراردادی توسط طرفین انشاء و ابراز می‌شود، مفاد آن، نسبت به هر دو طرف لازم‌الاجراست و هر کدام از طرفین به خواست خود و اراده یک‌طرفه‌اش نمی‌توانند قرارداد را برهم زنند، مگر اینکه خلاف آن در قانون استثناء شده باشد یا به طرفین این جواز را داده باشد. عقود جائز عقودی هستند که به‌صراحت در قانون احصاء شده باشند (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۳۰) و طبق ماده ۱۸۶ قانون مدنی چنین تعریف شده‌اند: «عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی که بخواهد، فسخ کند». ماده ۲۱۹ همین قانون نیز مقرر داشته است: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الایتناع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت دیگر فسخ شود».

سابقاً در اوصاف قراردادهای ورزشی ذکر شد که یکی از ویژگی‌های این قراردادهای لازم بودن آنهاست، بدین معنی که طرفین قرارداد حق فسخ یک‌جانبه را ندارند مگر اینکه قانون این اجازه را به آنها داده باشد. بند ۱۰ ماده ۱۹ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶ در تأیید این تقنین کرده است: «قرارداد به محض امضای طرفین معتبر و الزام‌آور است اما استفاده از بازیکن مستلزم ثبت قرارداد می‌باشد». در آیین‌نامه‌های ورزشی به‌صورت مدون، مستقل و مفصل به بحث خیرات قانونی طرفین برای فسخ قرارداد، پرداخته نشده است گرچه به ندرت و به‌صورت پراکنده این امکان را برای طرفین قائل شده که چه‌بسا بتوان از آن به‌عنوان خیار شرط یاد کرد؛ به‌عنوان مثال طبق ماده ۱۵ مقررات فوق، هیچ‌یک از طرفین قرارداد فوتبال (بازیکن و باشگاه) حق فسخ یک‌طرفه قرارداد را بدون دلیل موجه ندارند؛ اما تعریف «دلیل موجه» در جایی از این مقررات نیامده یا اقسام آن احصاء نشده است، مگر اینکه مثالی از آن در بند ۱ ماده ۱۶ این مقررات آمده است: «بازیکنی که رسماً

حرفه‌ای شناخته می‌شود، در صورتی که در طول فصل در کمتر از ده درصد از مسابقات رسمی باشگاهش حضور داشته باشد، می‌تواند قبل از تاریخ انقضای قراردادش، به استناد «دلیل موجّه ورزشی» قرارداد خود را فسخ کند.

اقسام خیرات در ماده ۳۹۶ قانون مدنی^۶ در ۱۰ قسم آمده است که ۷ مورد از آن از قواعد عمومی قراردادها است و بر همه قراردادها قابل بررسی است و ۳ مورد از آن (خیر مجلس، خیر حیوان و خیر تأخیر ثمن) فقط در مورد عقد بیع قابل اجراست. در ادامه به بررسی خیراتی که در قرارداد ورزشی قابل طرح است اشاره خواهیم کرد.

الف) خیار شرط در قرارداد ورزشی

طرفین قراردادهای ورزشی می‌توانند در قرارداد خیار فسخ را شرط نمایند، بدین‌وجه که احد طرفین یا هر دوی آنها یا شخص ثالث (مثلاً یک بازیکن یا باشگاه ثالث) در مدت معینی حق فسخ قرارداد را داشته باشند. درباره مدت قرارداد، عدم ذکر پایان خیار فسخ قرارداد باطل خواهد شد (یعنی در این حالت شرط فاسد و مفسد است)، مگر اینکه از شواهد و قرائن، انتهای مدت مشخص شود؛ اما اگر ابتدای جریان خیار شرط در قرارداد نامعلوم باشد، تاریخ انعقاد قرارداد ورزشی ابتدای خیار محسوب می‌شود و آلا تابع اراده طرفین خواهد بود.

این نوع از خیار از رایج‌ترین خیراتی است که در قراردادهای ورزشی (خصوصاً قرارداد میان بازیکنان و باشگاه‌ها) است و بدیهی است هر کدام از طرفین که دست قوی‌تری بر قرارداد داشته باشد از این خیار به احسن‌وجه بهره می‌برد. یک نوع استفاده دیگر از این خیار به این شکل خواهد بود که طرفین پایان و انحلال قرارداد را به امر مشخصی یا زمان معینی موکول کند؛ بنابراین هر نوع توافقی بر خیار شرط که مخالف قواعد آمره و نظم عمومی نداشته باشد، صحیح و لازم‌الرعایه خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۳۵۷).

ب) خیار غبن در قرارداد ورزشی

برای بررسی این خیار در قرارداد ورزشی ابتدا به تعریف لغوی و اصطلاحی «غبن» می‌پردازیم. غبن در لغت به فتح غبن، به معنی گول زدن و فریب دادن است و در

اصطلاح حقوقی، اختیاری است برای فسخ قرارداد که قانون‌گذار در صورت عدم تعادل فاحش عوضین به طرفی که مغبون و متضرر گردیده، داده است (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹۵). ماده ۴۱۶ قانون مدنی مقرر داشته است: «هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد، بعد از علم به غبن، می‌تواند معامله را فسخ کند»؛ اما برای تحقق غبن احراز دو شرط لازم است: اولاً. مغبون (زیاددیده) به هر علتی از علل، نباید هنگام معامله علم به قیمت عادلانه داشته باشد. اگر به هر دلیلی (تهیه مخارج بیماری همسرش و...) آگاه از قیمت عادلانه باشد، حق اعمال این خیار را ندارد. ماده ۴۱۸ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «اگر مغبون در حین معامله عالم به قیمت عادلانه بوده است، خیار فسخ نخواهد داشت». ثانیاً. غبن باید فاحش باشد، یعنی وجود اختلاف جزئی بین قیمت عادلانه و قیمت معامله، این خیار را ثابت نخواهد کرد. اما معیار تشخیص فاحش بودن اختلاف قیمت یا نبودن آن چیست؟ ماده ۴۱۷ اصلاحی مصوب ۱۳۶۱ قانون مدنی در این خصوص مقرر داشته است: «غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد». بنابراین معیار، شخصی نیست بلکه عرفی و نوعی است که البته مفهوم تسامح با توجه به موضوع معامله در موارد مختلف، متغیر خواهد بود (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹۶).

خیار غبن اختصاصی به عقد بیع ندارد و در تمام عقود معاوضی که در آنها تعادل میان عوضین حائز اهمیت است قابل استفاده است. طبیعتاً این خیار در عقود مسامحه‌ای مانند صلح محاباتی راه ندارد. با توجه به اینکه قراردادهای ورزشی آنچنانکه سابقاً بدان اشاره شد از عقود معاوض هستند؛ بنابراین طرفین می‌توانند از این خیار، هنگام فهم غبن فاحش، برای فسخ قرارداد بهره‌مند شوند. با توجه به فوری بودن این خیار (طبق ماده ۴۲۰ قانون مدنی^۷) طرفین قرارداد ورزشی، وقتی متوجه تفاوت قیمت بشوند می‌بایست سریعاً از خیار استفاده کنند و اقدام به فسخ نمایند. غبن فاحش برای بازیکنان زمانی رخ می‌دهد که متوجه شوند مبلغ قرارداد پایین‌تر از سطح مهارت، تکنیک و تجربه آنهاست و برای باشگاه‌ها زمانی مطرح می‌شوند که بفهمند که میزان دستمزد برای آن بازیکن با توجه به سطح مهارت، تکنیک و تجربه آن بازیکن، خیلی بیش از حد در قرارداد قید شده است (شرکائیان، ۱۳۹۴، ص. ۹۱).

بدیهی است در اختلاف بین وجود اختلاف قیمت و مغابنه‌ای بودن قرارداد ورزشی،

اصل بر لزوم قرارداد است و آنچنان که فقها می‌گویند البینه علی المدعی و بار اثبات بر دوش مدعی غبن است؛ مثلاً اگر شواهد و قرائن دال بر این باشد که بازیکن مدعی غبن، به نحوی به تیمش تعصب داشته است که قرارداد را، با هر میزان دستمزدی امضاء می‌نموده، ادعای غبن او مورد پذیرش نخواهد بود ولو فاحش باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۳۷۱).

ج) خیار تخلف از شرط در قرارداد ورزشی

هر گاه در قرارداد شرطی به نفع احد متعاقدين درج شده باشد و آن شرط اجرا نشود در شرایطی، ذی نفع حق فسخ قرارداد به واسطه خیار تخلف از شرط خواهد داشت. طبق ماده ۲۳۴ قانون مدنی^۸ سه نوع شرط می‌تواند در قرارداد ذکر شود: شرط صفت، شرط فعل و شرط نتیجه. در ادامه به هر کدام از آنها اشاره خواهیم کرد و مثالی ورزشی از هر یک خواهیم زد.

گاهی اوقات صفتی از مورد تعهد برای طرفی از قرارداد بسیار اهمیت دارد که در قرارداد ذکر می‌شود اما بعداً متوجه می‌شود مورد تعهد آن صفت را ندارد، در این حالت متضرر چه اقدامی می‌تواند بکند؟ به‌عنوان مثال برای باشگاه بسیار اهمیت دارد، بازیکن خارجی که در نیم فصل می‌خواهد جذب کند قدرت بدنی بالایی داشته باشد، از طرفی ایجتی که در صدد انتقال این بازیکن به باشگاه است ادعای قدرت جسمانی بالایی بازیکن مدنظر را می‌نماید اما بعد از امضای قرارداد به نمایندگی ایجت و پس از سفر بازیکن خارجی مدنظر به کشور، باشگاه با بازیکنی مواجه شود که قدرت بدنی بالایی ندارد، تکلیف باشگاه در چنین حالتی چیست؟ به استناد ماده ۲۳۵ قانون مدنی^۹، باشگاه حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

گاهی اوقات فعلی اثباتاً یا نفیاً در قرارداد ورزشی شرط می‌شود و باشگاه یا بازیکن مأمور به اجرای آن می‌شوند. اگر از انجام یا خودداری از انجام آن (تعهد) سرباز زنند، تکلیف قرارداد چیست؟ به‌عنوان مثال در قرارداد بازیکن درج و شرط شده است که بازیکن در طول فصل حق استعمال دخانیات نخواهد داشت. اگر بازیکن از این تعهد تخلفی نماید چه حقی برای باشگاه قائل خواهیم بود؟ یا به‌عنوان مثال باشگاه متعهد شده باشد تا پوشش بیمه‌ای مناسب برای بازیکن در نظر بگیرد و این شرط در قرارداد نیز

قید گردد، در صورت عدم انجام این وظیفه توسط باشگاه، چه حقی برای بازیکن قائل می‌شویم؟ آیا مانند مورد قبل، بلافاصله طرفین حق فسخ قرارداد را خواهند داشت؟ طبق مواد ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ قانون مدنی، در صورت عدم رعایت شرط فعل، ذی‌نفع ابتدا با رجوع به حاکم طرف مقابل را ملزم به وفای عهد می‌نماید، اگر طرف مقابل دوباره از انجام تعهد سر باز زد و امکانش بود که شخصی دیگر آن تعهد را انجام دهد، حاکم با هزینه مشروط‌علیه، شخص دیگری را مأمور به انجام مورد تعهد می‌نماید، اگر آن انجام آن فعل توسط مشروط‌علیه موضوعیت داشته باشد و انجامش توسط دیگری ممکن نباشد، مشروط‌له حق فسخ قرارداد را دارد.

گاهی اوقات نیز تحقق امری در قرارداد ذکر می‌شود؛ به‌عنوان مثال در قرارداد ورزشی میان باشگاه و دروازه‌بان تیم شرط می‌شود که در نیم‌فصل اول، دروازه‌بان می‌بایست برای ۷ بازی دروازه خود را بسته نگه دارد^{۱۳}، اما او نتواند به تعهد خود عمل کند (نتیجه محقق نشود) در این صورت تکلیف باشگاه چه خواهد بود؟ طبق نظر اکثر حقوق‌دانان، در این صورت باشگاه حق فسخ قرارداد را خواهد داشت (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰۶).

د) خیار تبعض صفت در قرارداد ورزشی

تبعض در لغت به معنای تجزیه شدن است و صفت نیز به معنای دست به‌هم دادن آمده است و از آنجایی که از قدیم رایج بوده طرفین به هنگام انعقاد قرارداد به هم دست می‌دهند، این کلمه به معنای قرارداد نیز افاده می‌شود. اما خیار تبعض صفت زمانی به کار می‌رود که بعد از انعقاد قرارداد مشخص شود، قرارداد نسبت به بخشی از مورد معامله، باطل بوده است (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۳۰۹). در این حالت طبق ماده ۴۴۱ قانون مدنی^{۱۴}، مشتری هم می‌تواند کل قرارداد را فسخ نماید، یا قرارداد را فسخ ننماید و ثمن مربوط به بخش باطل قرارداد را بازستاند. مطابق ماده ۴۴۳ همین قانون^{۱۵} شرط لازم برای استفاده از این خیار، جهل مشتری به بخش باطل معامله، حین انعقاد آن است.

به عقیده برخی حقوق‌دانان گرچه ادبیات قانون‌گذار راجع به این خیار، مربوط به عقد بیع است، اما می‌توان با وحدت ملاک به تمام معاملات معوض گسترش داد؛ اما شامل عقود غیر معوض نخواهد شد، چرا که در این عقود و عقود مسامحه‌ای، تعادل

عوضین، که ریشه طرح چنین مسائلی است، مطرح نیست (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۳۱۲)؛ بنابراین می‌توان این خیار را در قراردادهای ورزشی نیز، که از نمونه‌های عقود معوض است، جاری دانست؛ به‌عنوان مثال می‌دانیم طبق بند ۲ ماده ۱۹ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶^{۱۶} حداکثر مدت قرارداد می‌تواند ۵ سال باشد، حال اگر باشگاهی قراردادی ۷ ساله با یک بازیکن حرفه‌ای منعقد نمود، خیار تبعض صفقه پیش می‌آید، بدین معنی که قرارداد نسبت به ۲ سال مازاد از ۵ سال باطل خواهد بود. از طرفی با توجه به اینکه قانون اشاره‌ای به فوریت این خیار ندارد، بنا بر اصل بقای حق، اگر مشتری، پس از انعقاد قرارداد متوجه بطلان بعض مورد قرارداد شد، لزومی ندارد بلافاصله از خیار استفاده کند مگر اینکه شواهد و قرائنی مبنی بر گذشت از اعمال این خیار توسط او هویدا گردد.

۲-۱-۲. اثر تعدیل

تعدیل یا تجدیدنظر در قرارداد، به معنای تغییر در مفاد قرارداد توسط طرفین، قاضی یا قانون است. درباره طرفین قراردادی آنچه مسلم است، طبق اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها، امکان چنین تغییراتی است اما به عقیده برخی حقوق‌دانان بعد از ایجاد تغییرات، توافق جدید بیانگر قرارداد جدیدی است (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۵). بدین معنا که یکی از اسباب خاتمه قرارداد، تعدیل و تجدیدنظر در قرارداد است؛ به‌عنوان مثال در بسیاری موارد، به‌خصوص در کشور ما با توجه به تغییر و تحولاتی که در زمینه تورم اقتصادی رخ می‌دهد ممکن است، بازیکن و باشگاهی که قراردادی ۵ ساله با دستمزدی معین نوشته‌اند، بعد از دو سال و در شرایطی که تورم، ارزش پول ملی را کاهش داده است، تصمیم به افزایش رقم قرارداد برای ۳ سال باقیمانده بگیرند. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که در صورت تغییر مفاد قرارداد مانند مثال بالا، آیا قرارداد سابق خاتمه یافته و قرارداد جدیدی شکل گرفته است یا قرارداد، همان قرارداد سابق است، اما با برخی تغییرات؟ فائده این بحث آنجا نمود می‌یابد که اگر قائل به انعقاد قرارداد جدید با تعدیل قرارداد باشیم، طبق مقررات مثلاً نقل و انتقال فوتبال، قرارداد جدید فقط می‌بایست در بازه مشخص نیم فصل یا پایان فصل انجام شود؛ بنابراین به تبع آن، تعدیل قرارداد نیز می‌بایست در همان بازه صورت پذیرد و الا صورت

قانونی نخواهد داشت. در مقابل اما اگر قائل به ثبوت قرارداد سابق باشیم، این تعدیل محدودیت زمانی نخواهد داشت.

برای روشن شدن این سؤال می‌بایست بین حالتی که تعدیل قرارداد به‌عنوان شرطی از شروط در قرارداد ذکر شده باشد و طرفین درباره آن به توافق رسیده باشند و حالتی که چنین شرطی در قرارداد پیش‌بینی نشده است، تفاوت قائل باشیم. به‌نظر می‌رسد در صورتی که شرط تعدیل در قرارداد ذکر شده باشد، طرفین با تعدیل و تجدیدنظر مفاد قرارداد در اصل به آن شرط قراردادی عمل نموده‌اند و چون در چهارچوب آن شرط عمل شده است پس قرارداد جدیدی نمی‌توان متصور شد. ذکر چنین شرطی نیز سبب جهل قراردادی نمی‌شود چراکه عرف نیز آن را مجهول نمی‌داند، اما مشکل آنجا نمود می‌یابد که طرفین، تعدیل قرارداد را در آن پیش‌بینی و شرط نکرده باشند، آیا همچنان می‌توان قائل به استمرار قرارداد سابق شد؟ (شرکائیان، ۱۳۹۴، ص. ۹۶). گرچه به نظر برخی حقوق‌دانان چنین تجدیدنظری، توافق جدید و بیانگر قرارداد جدیدی است و به‌عبارت‌دیگر یکی از اسباب خاتمه قرارداد، تعدیل و تجدیدنظر در قرارداد است (صفایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۵)؛ اما در این فرض هم می‌بایست تفاوت بین تعدیل در ارکان قرارداد و سایر شروط قرارداد قائل شویم. بدیهی است با تغییر در ارکان قرارداد، قرارداد سابق زائل خواهد شد. مگر ممکن است موضوع قرارداد، طرفین قرارداد یا عوض قراردادی مورد تجدیدنظر قرار گیرد اما قرارداد همچنان پابرجا باشد؟ اما سایر شروط قراردادی را نمی‌توان مانند تغییر ارکان قراردادی دانست (شهیدی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۲). راجع به تعدیل شروطی غیر از ارکان قراردادهای ورزشی، به‌نظر می‌توان به عرف ورزشی رجوع کرد؛ زیرا وجود عرف در مواردی که تصریحی در عقد بدان نشده است در حکم ذکر در متن عقد است. بند ۱۲ ماده ۱۹ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶^{۱۷} نیز مؤید چنین امکانی است.

۲-۱-۳. اثر تعلیق

تعلیق در قرارداد نه به معنای انحلال و زوال قرارداد بلکه به معنای توقّف در اجرا و آثار آن برای مدتی به دلیلی مانند ایجاد مانع قانونی موقت می‌باشد که البته پس از رفع آن مانع، اثر عقد مجدداً برای طرفین مترتب خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۳۱۰).

در قراردادهای ورزشی نیز گاه شاهد چنین اثری هستیم؛ به عنوان مثال ماده ۱۳ مقررات وضعیت بازیکنان مشمول و شاغل به خدمت (ضمیمه ۴ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶) مقرر داشته است: «مدت زمان حضور در باشگاه نظامی و انتظامی جزو مدت قرارداد با باشگاه اولیه محسوب نمی شود». چنانچه در این ماده ذکر شده است وقتی مدت خدمت سربازی در باشگاه‌های نظامی و انتظامی از مدت قرارداد با باشگاه اولیه محسوب نمی شود؛ بنابراین در مدت خدمت سربازی، قرارداد اولیه معلق شده است و بعد از اتمام خدمت، آثار عقد سابق مجدداً جاری می شود؛ بنابراین می توان برای قراردادهای ورزشی نیز اثر تعلیق را در نظر گرفت.

۲-۲. منشأ عدم اجرای تعهدات قرارداد ورزشی میان باشگاه و بازیکن حرفه‌ای

می دانیم هدف انعقاد قرارداد ورزشی توسط باشگاه، استفاده از مهارت‌ها، تکنیک‌ها، تجربه و قوای جسمانی ورزشکاران و به کارگیری آنها در مسابقات و تمارین است و در مقابل هدف بازیکن از انعقاد قرارداد ورزشی، دریافت دستمزد و بهره‌مندی از امکانات و تجهیزات باشگاه می باشد. اما بسیاری مشاهده شده است که متأسفانه برخلاف آنچه در متن قرارداد آمده است، باشگاه با عدم پرداخت دستمزد بازیکن به صورت منظم، اسباب نارضایتی بازیکن را فراهم می نماید و در مقابل نیز بعضاً بازیکن با عدم انجام تعهدات خود یا بی میلی به حضور در تمارین، باعث عدم پیشرفت تیم و به ثمر نرسیدن هدف باشگاه از عقد قرارداد گردد.

یکی از مهم ترین بحث‌هایی که در زمینه قراردادهای ورزشی مطرح می شود که موضوع این تحقیق نیز مبتنی بر آن است، نقض تعهدات و عدم اجرای مفاد قراردادی توسط یکی از طرفین است. گاه این عدم اجرا به دلیل ناتوانی شخص است و علی‌رغم خواسته‌اش قادر به انجام نیست و گاه از انجام آن خودداری می کند و سوءنیت مطرح است. در ادامه به تفکیک به بررسی عدم اجرای تعهدات توسط بازیکن و باشگاه با توجه به نکته‌ای که ذکر شد خواهیم پرداخت.

۲-۱. ناتوانی اجرای تعهدات قرارداد ورزشی

همان‌گونه که بیان شد، برخی اوقات هر کدام از طرفین قرارداد ورزشی، برخلاف میلشان، به سبب رخدادهای گوناگون مانند قوه قاهره، از انجام تعهدات قراردادی خود ناتوان می‌شوند. برخی اوقات این ناتوانی موقت است و برخی اوقات دائمی، بعضی مواقع از جانب بازیکن اتفاق می‌افتد و بعضی مواقع از جانب باشگاه. در ادامه به موارد ناتوانی هر یک از طرفین اشاره خواهیم کرد.

الف) ناتوانی اجرای تعهدات قرارداد ورزشی توسط بازیکن حرفه‌ای

اصولاً باشگاهها، قبل از انعقاد قرارداد با بازیکنان حرفه‌ای آنها را مورد آزمایشات متنوع جسمانی، حرکتی و ارزیابی‌های پزشکی قرار می‌دهند. بند ۱۸ ماده ۲۰ قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۳ در این باره مقرر می‌دارد: «طبق مقررات بین‌المللی اعتبار یک قرارداد با بازیکنان خارجی و داخلی منوط به موفقیت در تست پزشکی و یا اعطای مجوز اشتغال نخواهد بود. لذا قبل از هر گونه عقد قرارداد، باشگاه باید از سلامت کامل بازیکن و حتمی بودن مجوز کار وی در کشور اطمینان حاصل نمایند». اما گاهی اوقات ممکن است در تشخیص و روند آزمایشات خللی ایجاد شود یا مثلاً بعد از انجام آزمایش‌ها و قبل از انعقاد قرارداد، تصادف، جرح یا ایرادی در بازیکن به وجود آید که حین آزمایش وجود نداشته است؛ به‌عنوان مثال بازیکنی هنگام آزمایش دوپینگ مصرف کرده است و بعد از انعقاد قرارداد مشخص می‌شود که هنگام ارزیابی در حالت عادی خود نبوده است. در این موارد به سبب وجود عیب در هنگام قرارداد باشگاه می‌تواند تقاضای بطلان عقد را ارائه دهد (بهرامیه، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۹)، اما اگر ناتوانی بعد از انعقاد قرارداد به وجود آید بدین معنا که در حین عقد بازیکن شرایط ایدئال باشگاه را داشته، متتها به دلایلی قدرت اجرای مفاد قرارداد را پس از انعقاد عقد از دست بدهد، تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد در این حالت می‌بایست میان ناتوانی موقت بازیکن و ناتوانی دائمی او تفاوت قائل شویم و به تفکیک مورد بررسی قرار دهیم.

در موردی که بازیکن به‌صورت دائمی دچار مصدومیت می‌شود، گاه به دلیل حضور در مسابقات و تمرین‌ها صدمه شدیدی به او وارد می‌شود که دیگر قادر به ادامه فعالیت

حرفه‌ای در زمینه ورزش نخواهد داشت؛ به‌عنوان مثال لئوناردو پادوانی^{۱۸} بازیکن سابق استقلال در اسفند ۱۳۹۶ که در مقابل باشگاه فولاد به میدان رفته بود دچار صدمه شدید از ناحیه گردن شد و پس از بارها عمل جراحی قدرت راه رفتن خود را از دست داد و عملاً از شرکت در مسابقات محروم ماند.^{۱۹} در حوادثی این‌چنین بازیکن به‌صورت دائمی توانایی عمل به تعهداتش را از دست می‌دهد. گاه صدمات شدید چه در خلال فعالیت‌های ورزشی، چه خارج از آن سبب فوت بازیکن حرفه‌ای می‌شوند و گاه نیز ضربات به ناحیه جمجمه و یا فشارهای روانی که به بازیکن وارد می‌شود سبب جنون او می‌شود؛ به‌عنوان مثال مارک ویوین فو^{۲۰} بازیکن کامرونی تبار باشگاه منچستر سیتی در ژوئن ۲۰۰۳ وقتی که به همراه تیم ملی‌اش به مصاف تیم ملی کلمبیا رفته بود، در میانه زمین دچار ایست قلبی شد و کمی بعد درگذشت.^{۲۱} در این موارد نیز به‌نظر می‌رسد، قرارداد ورزشی منفسخ شود و باشگاه از به‌کارگیری او برای همیشه محروم شود.

گاه نیز ناتوانی بازیکن در انجام تعهداتش، موقتی بوده و به شکل دائمی نیست. خیلی مواقع اتفاق می‌افتد که بازیکن در حین تمرین یا مسابقه دچار مصدومیت‌هایی شود که البته بعد از مدتی تحت نظر پزشک قرار گرفتن، امکان حضور در میادین ورزشی برایش امکان‌پذیر گردد؛ به‌عنوان مثال کریستین اریکسن^{۲۲} بازیکن دانمارکی که سابقه حضور در تیم‌های تاتنهام، اینترمیلان و منچستریونایتد داشته است، در مسابقات یورو ۲۰۲۰ که در مقابل تیم فنلاند به میدان رفته بود ناگهان به زمین خورد و دچار مصدومیت شدیدی شد. این بازیکن تا نیم‌فصل بعد تحت نظر پزشک قرار گرفت و در نهایت با باشگاه اینترمیلان قراردادشان را اقاله نمودند.^{۲۳} برخی اوقات نیز باشگاه به دلیل عدم در اختیار قرار دادن وسایل و امکانات ورزشی، اسباب عدم اجرای تعهد بازیکن حرفه‌ای را فراهم می‌کند، بدین معنی که ناتوانی بازیکن در اجرای تعهداتش ریشه در عدم اجرای تعهدات توسط باشگاه است.

ب) ناتوانی اجرای تعهدات قرارداد ورزشی توسط باشگاه

در بسیاری از مواقع پیش می‌آید که باشگاه به تعهدات خود در قبال بازیکنان حرفه‌ای عمل نمی‌نماید. گاهی اوقات این عدم اجرای تعهدات ریشه در ناتوانی باشگاه دارد و برخی اوقات به‌واسطه عدم تمایل باشگاه به ادامه رابطه قراردادی چنین اتفاقی رخ

می‌دهد. تعهدات باشگاه که ممکن است اجرا نشود، گاه تعهد اصلی باشگاه یعنی پرداخت دستمزد است و گاه سایر تعهدات فرعی مانند در اختیار قرار دادن وسایل و امکانات ورزشی جهت انجام تمرین و آمادگی مسابقات است؛ به‌عنوان مثال ممکن است عدم پرداخت کامل دستمزد به دلیل مشکلات مالی باشگاه باشد که در این صورت باشگاه علی‌رغم میل خود، قادر به انجام تعهد نیست. یا در مثالی دیگر باشگاه قبل از شروع فصل با یک شرکت تجهیزات ورزشی قراردادی منعقد می‌کند که طی آن شرکت موظف است تا مثلاً یک ماه بعد از انعقاد قرارداد، تجهیزات مدنظر را به دست باشگاه برساند، اما شرکت خلف وعده می‌کند و باشگاه نیز بودجه دیگری برای انعقاد قرارداد مجدد نداشته باشد، در ادامه چنین خلف وعده‌ای به تبع باشگاه نیز در انجام تعهداتش در قبال بازیکن بازمی‌ماند.

گاهی ناتوانی باشگاه از انجام تعهداتش دائمی است، به‌نحوی که دیگر توانایی ادامه رابطه قراردادی برایش امکان‌پذیر نخواهد بود (بهرامیه، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۹). ممکن است این ناتوانی در حین عقد موجود باشد، مثلاً باشگاه به امید استقراض‌ها و یا پاداش‌های معوقه، قراردادی را با یک بازیکن حرفه‌ای منعقد می‌نماید در حالی که می‌داند در حین عقد قادر به پرداخت آن نیست. یا اینکه باشگاه در حین عقد بر پرداخت دستمزد مندرج در قرارداد تواناست اما به دلایلی مانند قوه قاهره و خسارت‌های پیش‌بینی نشده در ادامه با کسری بودجه‌ای مواجه می‌شود که حتی تا چند سال بعد از انقضای مدت قرارداد نیز توانایی پرداخت آن حق‌الزحمه را نخواهد داشت.

بسیاری از مواقع نیز باشگاه در یک مدت زمان معین و به‌صورت موقتی از انجام تعهداتش ناتوان می‌شود. ممکن است بحران‌ها و پیش‌آمدهای زودگذر حادث شود و پرداخت دستمزد بازیکنان یا فراهم‌سازی تجهیزات و امکانات ورزشی مثلاً برای چند ماه به تعویق بیفتد. این عدم توانایی موقت، می‌تواند حین عقد موجود باشد، همچنین می‌تواند بعد از انعقاد عقد حادث شود.

۲-۲-۲. خودداری از اجرای تعهدات قرارداد ورزشی

در برخی موارد نیز ممکن است هر کدام از طرفین قراردادی (باشگاه و بازیکنان حرفه‌ای) درحالی که بر انجام تعهدات خود قادرند، از اجرای آن به دلایلی خودداری

بنمایند. در ادامه به بررسی خودداری از اجرای تعهدات ورزشی از ناحیه هر کدام از طرفین اشاره خواهیم کرد.

الف) خودداری از اجرای تعهدات قرارداد ورزشی توسط بازیکن حرفه‌ای

مواردی پیش می‌آید که بازیکن حرفه‌ای به دلایلی از انجام تعهداتش سر باز می‌زند یا اعمالی را انجام می‌دهد که درنهایت، انجام تعهدات را غیرممکن می‌سازد. یکی از این دلایل، می‌تواند غیبت غیرموجه بازیکن در تمرین‌ها و مسابقات باشد. هنگامی که بازیکن به دلایلی دچار مصدومیت یا بیماری شود مادامی که به موقع مراتب را به اطلاع باشگاه رساند، غیبت موجه محسوب می‌شود اما اگر امتناع بازیکن از حضور در تمرین‌ها و مسابقات به‌خاطر درگیری با مدیران باشگاه یا مصدومیت و بیماری باشد و به موقع به اطلاع باشگاه نرسیده باشد، این غیبت غیرموجه تلقی می‌شود. بعضی مواقع نیز بازیکن به‌واسطه برخی رفتارهای غیرانضباطی و مقرراتی که عمل یا ترک آن تخلف محسوب می‌شود، از سوی داور یا کمیته انضباطی مورد محرومیت‌های مقطعی (برای یک یا چند مسابقه) قرار بگیرد، در این موارد باشگاه و مربی از استفاده آن بازیکن، بی‌نصیب می‌گردد. به‌واسطه اینکه این تخلفات و بی‌انضباطی‌ها عمدی و با سوءنیت بوده است و بازیکن خاطی هنگام ارتکاب، اختیار داشته است و می‌توانسته به جای آن رفتار، واکنش بهتر و صبورانه‌تری از خود نشان دهد؛ همین‌طور درباره بازیکنی که پیش از بازی دوپینگ مصرف کرده است و بدین‌وجه ۲ سال از حضور در مسابقات محروم می‌شود؛ اما بدیهی است که می‌بایست بین ضمانت اجرای دو مصداق فوق تفاوت قائل باشیم. چرا که مثال اول و نقض مقررات مسابقه توسط بازیکنان، امری طبیعی و رایج است و بازیکنان حرفه‌ای در قراردادهای خود با باشگاه‌ها اصولاً متعهد به عدم نقض مقررات مسابقات نمی‌شوند. با توجه به اینکه نقض مقررات توسط بازیکن حرفه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر در مسابقات است و به‌شدت وابسته به اتفاقات داخل مسابقه است و از طرفی بازیکن به باشگاه تعهدی به عدم نقض نداده است، می‌توان گفت که این مثال اصلاً نقض قرارداد نبوده و از این بحث خروج تخصصی خواهد داشت (بهرامیه، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۳). البته مصرف دوپینگ که از مصادیق بازی ناجوانمردانه است، می‌تواند از موارد خودداری بازیکن حرفه‌ای از اجرای تعهدات باشد.

ب) خودداری از اجرای تعهدات قرارداد ورزشی توسط باشگاه

همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید، شاید مهم‌ترین تعهد باشگاه در قبال بازیکن حرفه‌ای، پرداخت دستمزد است، اما برخی اوقات پیش می‌آید که باشگاه علاوه بر اینکه توانایی پرداخت تعهدات مالی خود را در قبال بازیکن دارد، اما به دلایلی به تعهدات خود عمل نمی‌کند. یکی از این دلایل می‌تواند عدم تمایل باشگاه به ادامه رابطه قراردادی باشد و این عدم پرداخت، علامتی است برای بازیکن مبنی بر تمایل باشگاه بر اقاله و تفاسخ قرارداد. برخی اوقات خودداری از پرداخت جنبه مقابله به مثل دارد و در عوض خودداری بازیکن از انجام تعهداتش، رخ می‌دهد. باشگاه برای وادار کردن بازیکن خود به انجام مسئولیت‌های قراردادی، ممکن است برای مدتی پرداخت دستمزد او را به تعویق بیندازد. گاهی نیز بعضی رفتارهای بازیکن حرفه‌ای در مسابقات باعث جریمه شدن باشگاه شود و باشگاه از پرداخت این‌گونه جریمه‌ها سر باز زند. همه این موارد و سایر آنها، از مصادیق خودداری باشگاه از اجرای تعهدات قراردادی می‌باشد.

۲-۳. ضمانت اجرای عدم اجرای تعهدات

چنانچه پیش‌تر گفته شد، گاهی اوقات عدم اجرای تعهدات از جانب باشگاه رخ می‌دهد و گاهی نیز از طرف بازیکن حرفه‌ای انجام می‌پذیرد. در هر کدام از این موارد گاه هر کدام از طرفین ناتوان در اجرای تعهداتشانند و گاه نیز علی‌رغم تواناییشان در انجام تعهدات قراردادی، از اجرای آنها سر باز می‌زنند. در این بخش می‌خواهیم به ضمانت اجرای عدم اجرای تعهدات قرارداد ورزشی در هر یک از موارد فوق، به تفکیک بپردازیم.

۲-۳-۱. ضمانت اجرای عدم اجرای تعهدات توسط بازیکن حرفه‌ای

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، عدم اجرای تعهدات قرارداد ورزشی توسط بازیکن حرفه‌ای، گاه ریشه در ناتوانی اوست، مانند مصدومیت‌هایی که برایش رخ می‌دهد، گاه نیز علی‌رغم توانایی‌اش در انجام تعهدات، از اجرای آن سر باز می‌زند و در ادامه باشگاه را با مشکلاتی مواجه می‌نماید. در ادامه به ضمانت اجرای عدم انجام تعهدات قراردادی توسط بازیکن حرفه‌ای خواهیم پرداخت.

الف) ضمانت اجرای عدم توانایی اجرای تعهدات توسط بازیکن حرفه‌ای

برخی اوقات بازیکن حرفه‌ای از هنگام انعقاد قرارداد توانایی لازم جهت اجرای تعهداتی که در حال پذیرش است، ندارد. گاهی این عدم توانایی به واسطه مصدومیتی است که در مسابقات قبل بر او وارد شده است و گاه منع قانونی است. بند ۷ ماده ۲۳ قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۳ مقرر داشته است: «هر گاه احراز گردد که طرفین قرارداد دارای منع قانونی و ورزشی برای انعقاد قرارداد بوده‌اند اما مبادرت به عقد قرارداد نموده‌اند هر یک از طرفین می‌توانند قرارداد فیما بین را فسخ و درخواست ضرر و زیان نمایند». گرچه در چنین حالتی به نظر می‌رسد بتوان با توجه به قواعد عمومی قراردادها چنین معامله‌ای را به سبب خلل در شرط اساسی عقد باطل دانست، اما این بند خلاف آن مقرر داشته است.

ناتوانی بازیکن هم می‌تواند موقت باشد، هم دائمی، در هر دو این حالات به بندهای ۱، ۳، ۵ و ۸ ماده فوق اشاره می‌نمایم:

۱- بازیکن به دلیل مصدومیت ورزشی بیش از سه ماه، صلاحیت بازی را از دست داده باشد.

۳- اگر بازیکن حرفه‌ای در اثر استفاده از داروهای غیرمجاز (دوپینگ) محکوم به محرومیت به مدت حداقل سه ماه شود باشگاه می‌تواند قبل از موعد انقضای مدت، قرارداد فیما بین را فسخ نماید.

۵- اگر طرف قرارداد در اثر اعمال تخلف از قوانین در دادگاه‌های عمومی یا انقلاب محکوم به محرومیت و یا حبس و یا دیگر احکام مغایر شأن ورزشی شود یا دیگر استحقاق ادامه اقامت به‌عنوان فردی خارجی را در ایران دارا نباشد باشگاه می‌تواند قبل از انقضای مدت قرارداد فیما بین را فسخ نماید.

۸- اگر کادر فنی و پزشکی و تدارکاتی و بازیکن پی‌درپی با دریافت کارت قرمز و یا محرومیت‌های ناشی از اعمال و رفتار غیرورزشی و غیرمتمعارف از سوی رکن قضائی فدراسیون تا شش بازی یا تا سه ماه محروم شود باشگاه می‌تواند قرارداد فرد را قبل از موعد فسخ نماید.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با وجود قانون‌گذاری مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶، آیا می‌توان به

مواد فوق که مربوط به سال ۱۳۹۳ است، استناد کرد یا مقررات سابق به واسطه تقنین مقررات لاحق نسخ شده‌اند؟ می‌دانیم نسخ دو نوع است: نسخ صریح و نسخ ضمنی. مقررات مصوب ۱۳۹۶، مقررات سال ۱۳۹۳ را نسخ صریح نکرده است. در بسیاری از موارد نیز نسخ ضمنی نیز نکرده است و با سکوت قانون‌گذار در مقررات لاحق مواجه هستیم. به نظر نگارنده، در مواردی از مقررات لاحق که نه نسخ صریح اتفاق افتاده است نه نسخ ضمنی، بتوان به قوانین سابق رجوع کرد و بدان‌ها استناد ورزید؛ بنابراین می‌توان به مواد فوق در این بحث تکیه کرد.

ب) ضمانت اجرای خودداری از اجرای تعهدات توسط بازیکن حرفه‌ای

با توجه به نکته‌ای که بالاتر بدان اشاره شد، درباره خودداری بازیکن از عمل به تعهدات قراردادی اش علی‌رغم اینکه توانایی اجرای آنها را دارد؛ می‌توان به بندهای ۴، ۶ و ۱۰ ماده ۲۳ قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۳ اشاره نمود:

۴- اگر طرف قرارداد جمعاً از شرکت در سه جلسه تمرینات یا یک جلسه مسابقه یا دو بار اردو یا دو کلاس هماهنگی و آموزشی بدون عذر موجه سرباز زند باید بلافاصله از طریق آدرس موجود در قرارداد یا حضوری و به صورت کتبی از وی توضیح خواسته شود و ظرف یک هفته چنانچه کمیته انضباطی باشگاه ادله فرد را غیرموجه تشخیص دهد باشگاه می‌تواند قبل از موعد قرارداد فی‌مابین را فسخ نماید.

۶- اگر طرف قرارداد به تعهدات ناشی از عقد قرارداد خود نسبت به باشگاه در مواد مندرج قرارداد فی‌مابین عمل ننماید باشگاه می‌تواند قبل از انقضای مدت، قرارداد فی‌مابین را فسخ نماید.

۱۰- نقض مکرر شرایط قرارداد استخدامی، مقررات یا دستورالعمل‌های که طرف قرارداد به صراحت آنها را پذیرفته است و در قرارداد فی‌مابین درج و امضا گردیده است باعث فسخ قرارداد یک‌طرفه از سوی باشگاه می‌شود.

۲-۳-۲. ضمانت اجرای عدم اجرای تعهدات توسط باشگاه

برخی اوقات عدم اجرای تعهدات قراردادهای ورزشی از جانب باشگاه‌ها ریشه در عدم

توانایی آنها به دلایل مختلف دارد و بعضی مواقع با وجود توانایی ایشان در انجام تعهدات به بهانه‌های مختلف از انجام آنها خودداری می‌نمایند. در این بخش به ضمانت اجرای تخلف باشگاه‌ها از تعهدات قراردادی اشاره خواهیم کرد.

الف) ضمانت اجرای عدم توانایی اجرای تعهدات توسط باشگاه

چنین حالتی که باشگاه علی‌رغم میل باطنی بر انجام تعهدات قراردادی، قادر به اجرای آنها نیست، را می‌توان در دو حالت متصور شد: اول، حالتی که باشگاه به صورت دائمی توانایی بر انجام تعهداتش را ندارد و دوم، حالتی که موقتاً در اجرای تعهدات قراردادی، ناتوان می‌شود.

در حالت اول، اگر باشگاه در زمان انعقاد قرارداد، از نظر مالی توانایی پرداخت دستمزد بازیکن حرفه‌ای را به صورت دائمی نداشته باشد، مطابق ماده ۳۴۸ قانون مدنی^{۲۴} به نظر می‌رسد قرارداد به دلیل غیرمقدور بودن یکی از عوضین از ابتدا باطل و کأن لم یکن تلقی می‌شود، اما در مواردی که باشگاه در حین عقد تمکن مالی داشته است اما به دلایلی از قبیل قوه قاهره بعد از انشاء عقد، عدم تمکن حادث شود، از آنجایی که در قرارداد ورزشی قبض، شرط صحت نیست؛ بنابراین همین که طرفین در زمان عقد بر تمکن علم داشته‌اند کفایت می‌کند و عقد صحیح است با این تفاوت که مطابق ماده ۲۴۰ قانون مدنی^{۲۵} و با توجه به معوض بودن قرارداد ورزشی اصولاً می‌بایست به واسطه خیار تعدر تسلیم برای بازیکن حرفه‌ای حق فسخ ایجاد می‌شود، اما آیا مقررات ورزشی چنین اختیاری به او می‌دهد؟ بند ۱۲ ماده ۲۳ قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۳ تنها با یک شرط حق فسخ برای بازیکن قائل است: «اگر بازیکن یا کادر فنی و پزشکی در پایان فصل کمتر از پنجاه درصد قرارداد استحقاقی خود را از باشگاه دریافت نکرده باشند، حق فسخ قرارداد را دارند». گرچه این بند در مقررات سال ۱۳۹۶ دیگر از موارد دلیل موجه برای فسخ قرارداد احصاء نشده است و به عقیده برخی اساتید نسخ شده است؛ اما حتی اگر این بند را مشمول نسخ ضمنی ندانیم، با توجه به صراحت ماده فوق، بازیکنان تا انتهای فصل حتی به دلیل مالی نیز حق فسخ قرارداد را ندارند.

در حالت دوم برخی اوقات بازیکن حرفه‌ای از این ناتوانی آگاه است و با وجود

علم به آن، اقدام به انشاء عقد می‌نماید، مانند بسیاری از بازیکنان باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس تهران که به واسطه علاقه زیاد برای بازی در این دو تیم، حتی با وجود آگاهی‌شان از ناتوانی‌های موقتی باشگاه در پرداخت دستمزد، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند. در این موارد به نظر می‌رسد، قرارداد صحیح است و نمی‌توان مستند به ماده ۲۴۰ قانون مدنی حق فسخ برای بازیکن قائل شد، چراکه اولاً. در این مورد، قاعده اقدام جاری می‌شود؛ ثانیاً. این ناتوانی گذرا، به دلیل ماهیت تعهد و مورد معامله نیست و به خاطر برخی بحران‌های مالی رخداد کرده است. برخی اوقات نیز بازیکن حرفه‌ای از عدم تمکن موقتی باشگاه حین انعقاد قرارداد مطلع نیست. در این مورد اگر بخواهیم به عموم ماده ۲۴۰ قانون مدنی رجوع کنیم، اصولاً بازیکن می‌بایست حق فسخ معامله را دارا باشد. برخی ممکن است عقیده داشته باشند با توجه به اینکه پرداخت دستمزد که عوض قراردادی قرارداد ورزشی است و یکی از شروط اساسی و مقتضای عقد به شمار می‌رود، عدم اجرای آن منجر به بطلان معامله می‌شود. اما زمانی ناتوانی در پرداخت منجر به بطلان می‌شود که اولاً. مشخص شود باشگاه از ابتدا بر پرداخت دستمزد ناتوان بوده است؛ ثانیاً. اصلاً امیدی به پرداخت حق‌الزحمه در آینده وجود نداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ج ۱، صص. ۱۵۲-۱۵۳). درحالی‌که این دو شرط در مثال ما موجود نیست، چون اصولاً باشگاه‌ها به‌طور کلی قدرت در پرداخت دارند و از طرفی امید به پرداخت هم با توجه به استقراض‌های مکرر باشگاه‌ها، جذب اسپانسرهای متعدد، جذب تبلیغات محیطی و تلویزیونی و اینترنتی و... انعقاد قراردادهای کارگزاری و... همواره وجود دارد و نمی‌توان عدم تمکن مالی را دائمی دانست تا بتوان بر صحت قرارداد خدشه‌ای وارد کرد. از طرف دیگر مطابق ماده ۳۷۰ قانون مدنی^{۲۶} با توجه به اینکه در قرارداد ورزشی مواعیدی جهت پرداخت دستمزد ذکر می‌شود و مهم آن است که هنگام پرداخت در آن مواعد قدرت پرداخت وجود داشته باشد؛ بنابراین در صحت چنین قراردادی تردیدی وجود ندارد (بهرامیه، ۱۳۸۴، صص. ۱۵۲-۱۵۳).

ب) ضمانت اجرای خودداری از اجرای تعهدات توسط باشگاه

ماده ۱۳ مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال مصوب ۱۳۹۶ در این باره چنین مقرر می‌دارد:

- ۱- باشگاه‌ها متعهد هستند مطابق شرایط مصرّحه در قراردادی که با بازیکنان حرفه‌ای و توافق‌نامه انتقال امضاء کرده‌اند، به تعهدات مالی خود در قبال بازیکنان و باشگاه‌های دیگر، عمل نمایند.
- ۲- هر باشگاهی که بدون مجوز قراردادی، بیش از سی روز در پرداخت تعهدات مالی خود تأخیر نماید مطابق بند ۴ همین ماده مجازات می‌شود.
- ۳- برای اینکه یک باشگاه مطابق این ماده، دارای بدهی معوقه شناخته شود، طلبکار (اعم از باشگاه دیگر یا بازیکن) باید با ارسال یک اخطار کتبی و اعطای یک مهلت حداقل ده روزه به باشگاه بدهکار جهت اجرای تعهدات مالی‌اش، قصور این باشگاه را اثبات نماید.
- ۴- در صورت وجود شرایط فوق، کمیته وضعیت بازیکنان، می‌تواند مجازات‌های زیر را علیه باشگاه بدهکار اعمال نماید:
 - الف) اخطار
 - ب) توبیخ
 - ج) جریمه نقدی
 - د) ممنوعیت از ثبت بازیکنان جدید (اعم از داخلی و / یا بین‌المللی) برای یک یا دو دوره کامل و متوالی ثبت نقل و انتقالات.
- ۵- مجازات‌های فوق به صورت ترکیبی نیز قابل اعمال هستند.
- ۶- تکرار تخلف عدم پرداخت به موقع بدهی توسط باشگاه بدهکار به عنوان عامل مشدّد مجازات، تلقی می‌شود.
- ۷- مجازات ممنوعیت از ثبت بازیکن جدید (به شرح فوق) می‌تواند به صورت تعلیقی باشد. در این حالت اجرای مجازات مذکور به مدت حداقل شش ماه و حداکثر دو سال تعلیق می‌گردد.
- ۸- اگر باشگاهی که مجازات ممنوعیت از نقل و انتقال آن به صورت تعلیقی بوده است، در دوره تعلیق مجازات، مجدداً مرتکب همین تخلف گردد، تعلیق مجازات قبلی، خودبه‌خود رفع و مجازات اجرا می‌شود. این مجازات به مجازات جدیدی که برای تخلف جدید منظور شده اضافه می‌شود.
- ۹- اعمال مجازات‌های مندرج در این ماده، مانع اجرای مجازات‌های مشروحه در ماده

۱۸ این مقررات راجع به فسخ یک طرفه رابطه قراردادی نمی باشد.

قرارداد استاندارد بازیکن لیگ برتر انگلستان برای فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ در خلال ماده ۱۱ در همین باره مقرر داشته است:

۱۱/۱- بازیکن این حق را دارد که ظرف ۱۴ روز پس از اخطار کتبی به باشگاه این قرارداد را فسخ نماید اگر باشگاه:

۱۱/۱/۱- در صورتی که باشگاه مرتکب نقض جدی یا مداوم شرایط و ضوابط این قرارداد شود یا

۱۱/۱/۲- در صورتی که باشگاه نتواند دستمزد، یا سایر پرداختها یا پاداشهای مربوط به بازیکن را پرداخت کند یا نتواند هر گونه سودی را که به بازیکن تعلق می گیرد در مدت چهارده روز پس از آن پرداخت کند و هنوز موفق به پرداخت کامل یا در دسترس قرار دادن سود و مزایا با انقضای مهلت ۱۴ روزه مذکور نشده باشد.

۱۱/۲- باشگاه می تواند ظرف ۱۴ روز پس از دریافت هر گونه اخطار مبنی بر فسخ این قرارداد توسط بازیکن مطابق بند ۱/۱ درخواست کتبی مبنی بر اعتراض و تجدیدنظر را به بازیکن و اتحادیه ارسال نماید که به چنین درخواستی مطابق با رویه های قابل اجرا طبق قوانین لیگ رسیدگی خواهد شد.

۱۱/۳- اگر باشگاه حق تجدیدنظرخواهی خود را مطابق بند ۱۱/۲ اعمال کند، فسخ این قرارداد اجرا نخواهد شد مگر اینکه و تا زمانی که مشخص نشود که بازیکن حق فسخ این قرارداد را مطابق بند ۱۱/۱ داشته است.

۱۱/۴- به محض اجرایی شدن فسخ این قرارداد توسط بازیکن، باشگاه باید بلافاصله ثبت نام بازیکن را لغو نماید.^{۲۷}

همان طور که مشاهده شد، در مقررات فوتبال کشورمان، چونان لیگ برتر انگلستان ضمانت اجرایی برای نقض تعهدات قراردادی توسط باشگاه وضع شده است، اما شاید به میزان فسخ قرارداد، ضمانت اجرایی سخت و پیشگیرانه ای نیستند و آن گونه که شاید، از حقوق بازیکنان دفاع نمی کنند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که به صورت مبسوط اشاره شد، تعریف ورزش و گستره حقوق ورزشی تبیین گردید و جایگاه قراردادهای ورزشی در حقوق ورزشی مشخص شد. حقوق ورزشی از جمله علمی است که در عمل چه در تاریخ اسلام و چه در تاریخ ایران مسبوق به سابقه بوده است گرچه نامی از این رشته در میان نبوده است. خلاف آنچه عموم مردم می‌پندارند، قراردادهای ورزشی فقط در قرارداد میان باشگاه‌ها و بازیکنان حرفه‌ای و همچنین قرارداد میان مربیان و باشگاه‌ها خلاصه نمی‌شود و به معنای عام کلمه، هر قراردادی که در حوزه ورزش باشد و با عملیات ورزشی به نحوی در ارتباط باشد، قرارداد ورزشی محسوب می‌شود.

قراردادهای ورزشی چونان سایر قراردادها در برخی قواعد عمومی قراردادها مشترک‌اند؛ به‌عنوان مثال دانستیم که اثر لزوم که در همه قراردادها به‌عنوان اصل پذیرفته شده است در این نوع قراردادها نیز ساری و جاری است. از طرف دیگر برخی از اختیارات که اصولاً در عقود معوض جریان دارد، به دلیل معوض بودن قراردادهای ورزشی در این قراردادها قابل استفاده هستند؛ به‌عنوان مثال خیار شرط، غبن، تخلف از شرط و تبعض صنفه در قراردادهای ورزشی نیز کاربرد دارد. ریشه نقض قراردادهای ورزشی و انحلال آنها را می‌توان در ۴ حالت تصور نمود: اولاً. ناتوانی بازیکن حرفه‌ای؛ ثانیاً. ناتوانی باشگاه؛ ثالثاً. خودداری بازیکن حرفه‌ای و رابعاً. خودداری باشگاه از انجام تعهدات قراردادی. در هر کدام از این حالات به فراخور، ضمانت‌اجراهای متفاوتی وجود دارد. در این نوشته سعی شد تا با بررسی آثار حاکم بر قراردادهای ورزشی و منشأ نقض تعهدات ناشی از آن و همچنین اشاره به ضمانت‌اجراهایی که این نقض تعهدات در پی دارد، بررسی شود که چرا و چگونه خسارات زیادی را کشور و عموم مردم بر اثر نقض این گونه تعهدات متحمل می‌شود و چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم نقض تعهدات ورزشی، چه آثار نامطلوبی بر حقوق عامه می‌گذارد.

یادداشت‌ها

1. Marc Wilmots
2. <https://footballi.net/news/r/575175/> ویژه خسارت ویلموتس به فوتبال ایران گزارش
- چیزی نزدیک به ۳۲۰ میلیارد تومان
3. Andrea Stramaccioni
4. <https://www.isna.ir/news/1401052316342/> CAS- رأی نهایی استراماچونی در اعلام
- محکومیت ۱۳ میلیون یورویی
5. هریک از طرفین می‌تواند در صورت وجود «دلیل موجه»، قرارداد را بدون هیچ پیامدی (پرداخت غرامت و یا مجازات ورزشی) فسخ نماید.
6. خيارات از قرار ذیل اند: (۱) خيار مجلس؛ (۲) خيار حيوان (۳) خيار شرط؛ (۴) خيار تأخير ثمن؛ (۵) خيار رؤيت و تخلف وصف؛ (۶) خيار غبن؛ (۷) خيار عيب؛ (۸) خيار تدليس؛ (۹) خيار تبعض صفة؛ (۱۰) خيار تخلف شرط.
7. خيار غبن بعد از علم به غبن فوری است.
8. شرط بر سه قسم است: (۱) شرط صفت؛ (۲) شرط نتیجه؛ (۳) شرط فعل اثباتاً یا نفيًا. - شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت یا کمیت مورد معامله. - شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود. - شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.
9. هر گاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت، موجود نیست کسی که شرط به نفع او شده است خيار فسخ خواهد داشت.
10. هر گاه شرط در ضمن عقد، شرط فعل باشد اثباتاً و نفيًا، کسی که ملتزم به انجام آن شرط شده است باید آن را به‌جا بیاورد، و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید.
11. هر گاه فعلی در ضمن عقد، شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن، غیرمقدور باشد، حاکم می‌تواند به خرج ملتزم، موجبات انجام آن فعل را فراهم کند.
12. هر گاه اجبار مشروط‌علیه برای انجام فعل مشروط، ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل، حق فسخ معامله را خواهد داشت.

۱۴. خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می‌شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد. در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید، یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است، ثمن را استرداد کند.

۱۵. تبعض صفقه وقتی موجب خیار است که مشتری در حین معامله عالم به آن نباشد. ولی در هر حال ثمن تقسیم می‌شود.

۱۶. حداقل طول مدت قرارداد از تاریخ اجرایی شدن آن تا انتهای فصل است و حداکثر طول مدت قرارداد پنج سال می‌باشد.

۱۷. ثبت تغییرات راجع به مدت قرارداد یا ثبت تمدید مدت قرارداد صرفاً می‌بایست در دو دوره زمانی نقل و انتقالات (اول فصل و نیم فصل) صورت بگیرد. تغییر، تکمیل، حذف سایر شرایط در هر زمان مجاز بوده به شرطی که این توافقات و تغییرات، حداکثر ظرف ۱۵ روز جهت بررسی به صورت کتبی به کمیته وضعیت بازیکنان اطلاع‌رسانی شود. کمیته وضعیت بازیکنان بعد از بررسی موضوع به شرح بند فوق و در صورت تأیید، مراتب را جهت ثبت در واحد ثبت نقل و انتقالات، گواهی می‌نماید. کمیته وضعیت بازیکنان در این گونه رسیدگی‌ها مبنای بر اصالت اسناد ابرازی قرار می‌دهد مگر آنکه خلاف آن به صورت مستند احراز گردد.

18. Leandro Padovani

19. <https://www.isna.ir/news/96120502339/> آخرین وضعیت مصدومیت پادوانی

20. Marc-Vivien Foé

21. <https://www.hamshahrionline.ir/news/641792/> تصاویر ۵ فوتبالیستی که حین

بازی جان باختند

22. Christian Eriksen

23. <https://www.isna.ir/news/1400092620392/> قرارداد کریستین اریکسن را فسخ کرد اینتر

۲۴. «بیع چیزی که خرید و فروش آن قانوناً ممنوع است و یا چیزی که مالیت و یا منفعت عقلایی ندارد یا چیزی که بایع قدرت بر تسلیم آن ندارد باطل است مگر اینکه مشتری خود قادر به تسلیم آن باشد». گرچه این ماده در باب عقد بیع تقنین شده است اما به نظر با تنقیح مناط در همه عقود معوض قابل تسری باشد.

۲۵. اگر بعد از عقد، انجام شرط، ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط بر نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع، مستند به فعل مشروطه باشد.

۲۶. اگر طرفین معامله برای تسلیم مبیع، موعدی قرار داده باشند قدرت بر تسلیم در آن موعد، شرط است نه در زمان عقد.

27. 11. Termination by the Player

11.1 The Player shall be entitled to terminate this contract by 14 days' notice in writing to the Club if the Club:

11.1.1 shall be guilty of serious or persistent breach of the terms and conditions of this contract; or

11.1.2 fails to pay any remuneration or other payments or bonuses due to the Player or make available any benefits due to him as it or they fall due or within fourteen days thereafter and has still failed to make payment in full or make the benefits available by the expiry of the said 14 days' notice.

11.2 The Club may, within 14 days of receipt of any notice of termination of this contract by the Player in accordance with clause 11.1 give written notice of appeal against such termination to the Player and to the League which shall hear such appeal in accordance with procedures applicable pursuant to the League Rules.

11.3 If the Club exercises its right of appeal pursuant to clause 11.2, the termination of this contract shall not become operative unless and until it shall have been determined that the Player was entitled to terminate this contract pursuant to clause 11.1.

11.4 Upon any termination of this contract by the Player becoming operative the Club shall forthwith release the Player's registration.

کتابنامه

۱. آقائی نیا، حسین (۱۳۸۱). حقوق ورزشی. تهران: میزان.
۲. آیین نامه اجرایی جذب و استخدام قهرمانان مشمول قانون سرباز قهرمان، مصوب ۱۳۹۵.
۳. آیین نامه اجرایی قانون اجازه تأسیس باشگاه ورزشی و ورزشگاه توسط مردم با نظارت دولت، مصوب ۱۳۷۰.
۴. آیین نامه اجرایی ماده ۸۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مصوب ۱۳۸۱.
۵. آیین نامه انضباطی مصوب سازمان تربیت بدنی، در سال ۱۳۷۴.
۶. آیین نامه برگزاری لیگ برتر و دسته اول فوتبال ایران، مصوب ۱۳۹۸.
۷. آیین نامه توسعه فضاهای ورزشی در مناطق روستایی، مصوب ۱۳۸۷.
۸. آیین نامه کمیته انضباطی مسابقات ورزش دانشگاهها و آموزش عالی کشور، مصوب ۱۳۷۴.
۹. اساسنامه شرکت تجهیز و نگهداری تأسیسات ساختمانهای ورزشی، مصوب ۱۳۷۳.
۱۰. اساسنامه فدراسیونهای ورزشی آماتوری جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۰.

۱۱. انیسی، محمدعلی (۱۳۹۴). مسئولیت مدنی و حقوق ورزشی. تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.
۱۲. بهرامیه، احمد (۱۳۸۴). ماهیت و آثار حقوقی قرارداد ورزشی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
۱۳. دستورالعمل جذب بازیکنان و مربیان خارجی، مصوب ۱۴۰۰.
۱۴. رستم شیرازی، فرهاد (۱۳۷۴). مبانی حقوق ورزشی در ایران. دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۱۵. شرکائیان، کاظم (۱۳۹۴). تحلیل اصول حاکم بر قراردادهای منعقد شده بین باشگاه‌ها و ورزشکاران حرفه‌ای در حقوق ایران. دانشکده علوم انسانی / دانشگاه شاهد.
۱۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). سقوط تعهدات. تهران: مجد.
۱۷. صفایی، سید حسین (۱۳۹۴). قواعد عمومی قراردادها. تهران: میزان.
۱۸. قانون اساسی، مصوب ۱۳۶۸.
۱۹. قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان، مصوب ۱۳۹۹.
۲۰. قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷.
۲۱. قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.
۲۲. قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال، مصوب ۱۳۹۳.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱). عقود معین. ج ۱، تهران: سهامی انتشار.
۲۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی قرارداد و ایقاع. تهران: سهامی انتشار.
۲۵. مصوبه شورای عالی اداری در خصوص وظایف و اختیارات مرتبط با نگهداری و بهره‌برداری از اماکن ورزشی متعلق به وزارت ورزش و جوانان، مصوب ۱۳۹۸.
۲۶. مقررات انضباطی فدراسیون فوتبال، مصوب ۱۳۹۶.
۲۷. مقررات نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان فدراسیون فوتبال، مصوب ۱۳۹۶.
۲۸. مقررات وضعیت و نقل و انتقالات فیفا، مصوب ۲۰۲۱.